



عرفان خیر خواه

روز شنبه هم‌زمان با روز عید غدیر شاهد حضور میلیونی مردم در اقصی نقاط کشور در حمایت از جمهوری اسلامی و با مطالبه انتقام از رژیم صهیونیستی بودیم.
این رخداد که در بحبوحه جنگ، انسجام و وحدت ملی ایرانیان را به نمایش گذاشت، بار دیگر بر این امر صحه گذاشت که ملت ایران با پشتوانه‌های تمدنی و فرهنگی خود همواره بر حفظ هویت و ملت خود را سخ است و در این مسیر ثبات قدم دارد. برای تحلیل این حضور میلیونی «وطن امروز» با علی انتظاری، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی گفت‌وگو کرد.

■ به‌عنوان یک جامعه‌شناس رویداد حضور میلیونی مردم در خیابان‌ها با شعار ایران دلققار علی و مطالبه انتقام سخت‌از رژیم صهیونیستی را چطور تحلیل می‌کنید؟ چه پیام‌های فرهنگی و اجتماعی در حضور میلیونی مردم در راهپیمایی روز شنبه وجود داشت؟

بیشتر موجب انسجام ملی در جامعه ایرانی خواهد شد. شاید پیش از این وقتی چنین پیش‌بینی می‌کردم برخی فکر می‌کردند این نگاه شاعرانه باشد اما حالا اتفاقاتی می‌افتد که حتی از پیش‌بینی من هم فراتر است. با اینکه اختلافات داخلی وجود داشت و شاهد بودیم عدای بویژه بعد از اتفاقات سال ۱۴۰۱ شعارهایی علیه نظام می‌دادند اما اکنون شاهدیم همان افراد از کشور حمایت می‌کنند و متوجه شده‌اند مشکل اصلی کجا بوده است. جنایت صهیونیست‌ها و اقدامات کثیف این رژیم کودک‌کش بیشتر موجب انسجام ملی در جامعه ایرانی خواهد شد. شاید پیش از این وقتی چنین پیش‌بینی می‌کردم برخی فکر می‌کردند این نگاه شاعرانه باشد اما حالا اتفاقاتی می‌افتد که حتی از پیش‌بینی من هم فراتر است. با اینکه اختلافات داخلی وجود داشت و شاهد بودیم عدای بویژه بعد از اتفاقات سال ۱۴۰۱ شعارهایی علیه نظام می‌دادند اما اکنون شاهدیم همان افراد از کشور حمایت می‌کنند و متوجه شده‌اند مشکل اصلی کجا بوده است.

این وعده الهی است! حرف ما یا کار ما نیست! خداوند در قرآن وعده داده آرامش و سکینه را در قلب‌های مسلمانان جاری خواهد کرد و شاهد بودیم که روز غدیر خم این آرامش در مردم ما چگونه نمایان شده بود. **■ اینطور تصور می‌شد که در زمان حملات خارجی کشور دچار ناآرامی‌های داخلی شود و فشار دوجانبه، بحران و فروپاشی را به سیستم تحمیل کند اما به نظر می‌رسد وقایع دیگری در حال وقوع است.** بله! پیش‌بینی آنها همین بود و برای همین، چنین عملیاتی را انجام دادند تا جنگ روانی ایجاد کنند. البته گروه‌های خدوفروخته نظیر منافقان، بهایی‌ها و... بودند و هستند که از حملات اسرائیل حمایت کنند اما جالب است که امروز این گروه‌های خدوفروخته توسط کسائی مورد حمله قرار گرفتند که خود آنها پیش از این مقابله‌هایی با نظام داشته‌اند.

امروز شاهد هستیم افرادی که در ناآرامی‌های اخیر پرونده داشته و حتی زندان گرفته‌اند یا حتی برخی سلطنت‌طلبانی که بعضا خارج‌نشین هستند، در تمامیت ارضی کشور دفاع می‌کنند و پشت نظام قرار گرفتند. کسائی که شاید خدوچنانچه اپوزسیون محسوب می‌شوند از ایران حمایت می‌کنند و با گروه‌هایی که در این شرایط حساس حرف‌های ناساز و علیه کشور می‌زنند مقابله می‌کنند. این دستاورد بسیار بزرگی است.

صهیونیست‌ها دست به عملیات بسیار احقاقنه و نابخرندلای ایران حمله می‌کنند و سران نظامی، فرماندهان و دانشمندان را از بین می‌برند و اینطور نظام جنگی و دفاعی جمهوری اسلامی ساقط می‌شود؛ در نتیجه این امکان است در برابر خواسته‌های آنها و ایالات متحده سبک‌باری‌ا دشت و با شرایطی مواجه شدند که پیش‌بینی‌اش را هم نمی‌کردند.

البته که شهادت چهره‌های بزرگ و ارزشمند برای ما فقدان

است و حتما صدماتی را به نظام و جامعه وارد می‌آورد اما این

جامعه به قدری بزرگ است و آنچنان سوابق تمدنی عظیمی

دارد که می‌تواند بلافاصله این فقدان و صدمات را جبران و مرمت

کند این جبران و بازسازی خیلی سریع اتفاق افتاد و مرمت فوری

باعث شد مردم نیز متوجه ضعف دشمنان نشوند.

پیش از این در فضای مجازی به گونه‌ای شوک داد

بویژه آنکه جمهوری اسلامی رو به ضعف و اضمحلال است و

تصویری را بازنمایی می‌کردند که در آن خودشان روز به روز

قدرتمندتر می‌شوند اما جمهوری اسلامی با قدرت و با شجاعت

مقابل عملیات حقیرانه آنها ظاهر شد؛ بویژه پیام مقام معظم

رهبری که اهمیت بسیاری داشت و باعث شد مردم با احساس

عزت نفس کنند و هویت آنها که در ساعت اولیه جنگ مخدوش

شده بود، مرمت شد. این موضوع باعث انسجام هرچه بیشتر

ملی شد و گروه‌های مختلف مردم و اقشار مختلف را به صحنه

حمایت از نظام آورد.

عزت نفس موضوع بسیار مهم و اثر گذاری در رفتارهای اجتماعی است. اتفاقات اخیر باعث شد خاستگاه اجتماعی فرهنگ سکولار روشن تر و شفافتر شود؛ این موضوعی است که می‌تواند بصیرت اسلامی شکل دهد. آنچه می‌تواند بسیاری از مسائل ما را حل کند، نه رفتارها و برخوردهای مبتنی بر زور و خشونت، بلکه ارتقای بصیرت فراملی است؛ بصیرتی که از طریق آن مردم بفهمند کجای دنیا قرار دارند و چه نسبتی با سایر جهان دارند؛ بدانند چه گفتمان‌هایی در دنیا وجود دارد و گفتمان خودشان را نیز بشناسند؛ مطلع شوند گفتمان خودشان با سایر گفتمان‌های جهانی در چه نسبتی است و چه ارتباطی با هم دارند؛ آگاه شوند دنیا برای پیشبرد گفتمان خودش چه اقداماتی انجام می‌دهد.

می‌توان گفت بسیاری از سبک زندگی‌های کج و معوجی که امروز در جامعه شاهد آن هستیم، ابزارهایی هستند برای آنکه بیگانگان بر ملت و جامعه و کشور ما مسلط شوند. اکنون جامعه

گفت‌وگوی «وطن امروز» با علی انتظاری درباره وحدت ملی ایرانیان در برابر رژیم صهیونیستی

پدافند ملی

راهپیمایی روز عید غدیر تهران

مختلف تاریخی نشان داده‌اند حتی اگر ساخته‌های انیمیشنی و باری‌های ویدئویی را دنبال کنید، می‌بینید سازندگان به دنبال ایجاد ترحم نسبت به کاراکترهای با نماد یهودیت هستند؛ کاراکترهایی که هر چند آسیب و صدمه می‌زنند اما مخاطب نسبت به آن احساس ترحم می‌کند. البته خطاب من به همه یهودی‌ها نیست اما این نگاه و فرهنگی است که در میان این گروه وجود دارد و غالب است اما ممکن است تمامیت نداشته باشد. از طرف مقابل فرهنگ و وزن ایرانی را داریم که ذخایر تمدنی چند هزار ساله دارد که در کنار خوی حسینی و عاشورایی که در کنار روحیه ایرانی قرار گرفته، مردم این کشور را از سایر مردم دنیا متمایز می‌کند. صهیونیست‌ها کسانیی هستند که از جوامع مختلف به‌پهله هلو کاست آمده‌اند، هلو کاستی که مشخص نیست چه میزان بر اساس واقعیت و چه میزان براسخت خودشان باشد. این گروه که ریشه هویتی آنها با ترس گره خورده، حالا در جمع‌های موزاییکی با هویت‌های مختلف کنار هم قرار گرفته‌اند که همین موضوع نیز آنها را به ترس بیشتر واداشته است، چرا که همواره فکر صهیونیستی آنها زیر سوال بوده و با چالش مواجهند. البته باید بدانیم صهیونیسم یک حزب سیاسی است که از یهودیت به عنوان ابزاری برای دستیابی به قدرت استفاده می‌کند، حزبی که از طرف دیگر با سرمایه‌داری پیوند دارد.

بنابراین با یک نظام صهیونیستی – سرمایه‌داری پیوند دارد. هستیم که مهم‌ترین نتیجه آن بی‌عدالتی محض است؛ چنین نظامی اجازه نمی‌دهد که مردم با یکدیگر انسجام داشته باشند. این در حالی است که جامعه ایران، ریشه‌های متعددی برای عدالت‌طلبی دارد. از طرف دیگر، موقعیت ژئوپلیتیک کشورمان تاریخ‌گسترده ما سراسر تجربه ارتباط با فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون بوده است. مثلا جاده ابریشم که در دوره‌های متعدای باعث می‌شد ایران با تمام جهان در ارتباط باشد، چرا که کشور ما محل اتصال شرق و غرب عالم بوده است.

همه این عوامل در کنار هویت شیعی و عاشورایی که در رگ‌های جامعه ایرانی جاری شده، هم‌گزینی را به وجود آورده که کاملاً متمایز است و طرف مقابل، به عنوان جمع‌های پراخسته هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها را ندارند و بسیار شکننده است. درست برعکس ایران که مردمش وقتی ضربه‌ای می‌خورد قدرتمندتر می‌شوند و ایستادتر ادامه می‌دهند.

اینکه مردم این روزها در فضای مجازی می‌نویسند «بکشید ما را، ما آگاه‌تر می‌شویم» این یک شعار نیست، بلکه حقیقتی است. به سوابق تمدنی و اسلامی جامعه ما برمی‌گردد. بنابراین چنین حوادثی نه تنها صدماتی وارد نمی‌کند، بلکه رخوت را از مردم ما دور می‌کند. اینطور است که در اراضی اشغالی شاهد هستیم که صهیونیست‌ها برای پناهگاه‌ها قرار می‌کنند اما مردم ما نظامی بسیار متفاوت از خود نشان می‌دهند.

■ بنابراین فقدان ریشه سرزمینی و تاریخی می‌تواند ریشه اصلی نفارت در واکنش‌ها باشد.

همین طور است. تاریخ اهمیت بسیاری دارد. متأسفانه رسانه‌های ما نسبت به تاریخ کم‌هوشی کرده‌اند، بنابراین اطلاعات مردم در این زمینه ضعیف است و چندان مورد توجه نبوده است، در حالی که غربی‌ها از تاریخی که نداشته‌اند آثار بسیاری ساخته‌اند و به قوی از آن‌کده می‌سازند شییه کاری که ر‌ک‌های ما می‌کنند و آسفانه‌سازی می‌کنند؛ در حالی که پراخت آنها هیچ ریشه‌ای در تاریخ حقیقی آنها ندارد.

این در حالی است که ایرانی‌ها تاریخ درخشانى دارند؛ تاریخی که ذخایر متعددی دارد و ارزش‌های متعددی را ایجاد کرده است؛ هرچند نسبت به آن آگاهی لازم توسط برخی گروه‌های مردم وجود نداشته باشد اما این تاریخ در ناخودآگاه و هویت جامعه ایرانی حمل می‌شود. در قالب زبان، ضرب‌المثل‌ها، مناسک و مراسم‌های تابسوعا و عاشورا و اربعین که بر گزار می‌شود، در همه ایرانی‌ها جاری دارد.

این اتصال تاریخی وجود دارد و باعث می‌شود یک پایگاه هویتی بسیار قوی شکل بگیرد. این پایگاه هویتی در شرایط مختلف، حتی در مواجهه با فرهنگ غربی که به ظاهر در میان مردم نفوذ می‌کند و با زمینه‌های فرهنگی آنها در تعارض است، همچنان پای‌رجا می‌ماند. این بسترهای هویتی در موقعیت‌های خاص خود را نشان می‌دهد. در اتفاقات اخیر هم ما نشانه‌های این هویت درینه را دیدیم.

■ این وضعیتی که ما در حال تجربه آن هستیم، چگونه می‌تواند به تقویت گفتمان انقلاب اسلامی و به اصطلاح ترمیم هویت ایرانی منجر شود؟

ببینید! پس از ۷۰اکتبر ظرفیت‌های مقاومت فعال شده به عنوان مثال، در هلند، کشوری سکولار که به نظر می‌رسد همه چیز در آن بخوبی پیش می‌رود و مردم هم نان ندارند، شاهد رخداد‌های باعظمتی در حمایت از مردم فلسطین هستیم.

که دانشجویان ثروتمند و سرمایه‌دار دارد، ظرفیت‌های عظیم حال حاضر مردم وجود دارد، همیعتی مبتنی بر بصیرت است

و این با آنچه در سایر نقاط جهان وجود دارد بسیار متفاوت

است؛ بصیرتی که باعث می‌شود در مقابل دشمن خارجی،

مسائل داخلی کنار گذاشته شود. امروز دیدیم‌ها که بسیاری از

سلبیرتی‌ها، کسانیی که گاهی حرفه‌هایی می‌زنند و انتقاداتی

داشتند، در حمایت از نظام و همیعتی ملی به میدان آمده‌اند

■ تفاوت آشکاری بین مواجهه مردم ایران و صهیونیست‌ها

و ساکنان اراضی اشغالی با جنگ وجود دارد؛ ریشه این تفاوت‌جدی در واکنش‌ها کجاست؟

ریشه این تفاوت‌ها به خصوصیات فرهنگی و تمدنی برمی‌گردد. یهودی‌ها از قدیم‌الایام به یک اقلیت ترسو و در آن واحد خشن مشهور هستند. آنها این روحیه خود را در دوره‌های مختلف تاریخ نشان داده‌اند. حتی اگر ساخته‌های انیمیشنی و باری‌های ویدئویی را دنبال کنید، می‌بینید سازندگان به دنبال ایجاد ترحم نسبت به کاراکترهای با نماد یهودیت هستند؛ کاراکترهایی که هر چند آسیب و صدمه می‌زنند اما مخاطب نسبت به آن احساس ترحم می‌کند. البته خطاب من به همه یهودی‌ها نیست اما این نگاه و فرهنگی است که در میان این گروه وجود دارد و غالب است اما ممکن است تمامیت نداشته باشد. از طرف مقابل فرهنگ و وزن ایرانی را داریم که ذخایر تمدنی چند هزار ساله دارد که در کنار خوی حسینی و عاشورایی که در کنار روحیه ایرانی قرار گرفته، مردم این کشور را از سایر مردم دنیا متمایز می‌کند. صهیونیست‌ها کسانیی هستند که از جوامع مختلف به‌پهله هلو کاست آمده‌اند، هلو کاستی که مشخص نیست چه میزان بر اساس واقعیت و چه میزان براسخت خودشان باشد. این گروه که ریشه هویتی آنها با ترس گره خورده، حالا در جمع‌های موزاییکی با هویت‌های مختلف کنار هم قرار گرفته‌اند که همین موضوع نیز آنها را به ترس بیشتر واداشته است، چرا که همواره فکر صهیونیستی آنها زیر سوال بوده و با چالش مواجهند. البته باید بدانیم صهیونیسم یک حزب سیاسی است که از یهودیت به عنوان ابزاری برای دستیابی به قدرت استفاده می‌کند، حزبی که از طرف دیگر با سرمایه‌داری پیوند دارد.

بنابراین با یک نظام صهیونیستی – سرمایه‌داری پیوند دارد.

دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۴۰۴
وطن امروز | شماره ۴۳۴۱

اندیشه

نگاهی به مفهوم شر در کالبد اسرائیل از دیدگاه کانت و نیچه

شر چیست و اسرائیل کجای این معادله است؟

شر، این واژه پرابهام و پرچالش، قرن‌هاست ذهن فیلسوفان، متفکران و انسان‌های عادی را به خود مشغول کرده است. آیا شر صرفاً نتیجه بیات شیطانی است یا می‌تواند از دل تصمیمات روزمره، سیاست‌های بروکراتیک و قدرت‌طلبی‌های پنهان سر برآورد؟ در این یادداشت، با تکیه بر آرای ۲ غول فلسفه غرب، امانوئل کانت و فریدریش نیچه، به بررسی مفهوم شر در نسبت با سیاست‌ها و اقدامات اسرائیل در قبال فلسطینیان می‌پردازیم. از اشغال کرانه باختری و محاصره غزه تا شهرک‌سازی‌های غیرقانونی، آیا می‌توان این اقدامات را مصادق شر اخلاقی دانست؟ کانت ما را به عقل و کرامت انسانی دعوت می‌کند و نیچه از اراده معطوف به قدرت سخن می‌گوید. این ۲ دیدگاه چگونه می‌تواند رفتار اسرائیل را روشن کند؟ امانوئل کانت، فیلسوف آلمانی قرن هجدهم، در آثارش مانند «بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق» اخلاق را بر عقل عملی استوار می‌کند، او معتقد است انسان‌ها به دلیل دارا بودن عقل، موجوداتی هدفمندند، نه ابزار. در فرمول معروف «غایت در خود»، کانت می‌گوید: «چنان عمل کن که با انسانیت، چه در شخص خودت و چه در شخص دیگران، همیشه به عنوان غایت رفتار کنی، نه صرفاً به عنوان وسیله». شر اخلاقی از نظر کانت زمانی رخ می‌دهد که این اصل نقض شود، یعنی انسان به ابزاری برای اهداف دیگران تبدیل شود.

حال بیایید این دیدگاه را در سیاست‌های اسرائیل اعمال کنیم. از زمان تأسیس دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ که فلسطینیان آن را «کبت» (فاجعه) می‌نامند، صدها هزار نفر آواره شدند. بر اساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۱۶، «وضعیت حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی فلسطین» نشان می‌دهد تا آن زمان، بیش از ۷۰۰۰۰۰ فلسطینی از خانه‌های خود رانده شده‌اند و شهرک‌سازی‌های غیرقانونی در کرانه باختری ادامه دارد. این شهرک‌سازی‌ها که طبق قطعنامه ۲۳۴۳ شورای امنیت سازمان ملل (۲۰۱۶) غیرقانونی اعلام شده، نه‌تنها زمین‌های فلسطینیان را مصادره می‌کند، بلکه زندگی روزمره آنها را مختل می‌سازد.

آیا این اقدامات مصادق کرامت انسانی است؟ از منظر کانت، بله! هنگامی که خانه‌های فلسطینیان تخریب می‌شود، یا وقتی دسترسی به آب برق و مراکزهای پزشکی در غزه محدود می‌شود، انسان‌ها به ابزاری برای اهداف سیاسی و امنیتی اسرائیل تبدیل می‌شوند. فلسطینیان دیگر «غایت در خود» نیستند، بلکه به وسیله‌ای برای تثبیت قدرت، گسترش سرزمین و تأمین امنیت یک طرف (اسرائیل) بدل می‌گردند.

کانت در «قد عقل عملی» شر را نتیجه انتخاب آگاهانه انسان برای نادیده گرفتن قانون اخلاقی می‌داند. او از «اراده خوب» سخن می‌گوید که تنها معیار اخلاقی بودن یک عمل است. آیا سیاست‌گذاران اسرائیل می‌توانند ادعا کنند اراده‌ای خیرخواهانه پشت محاصره غزه (از ۲۰۰۷ تاکنون) وجود دارد؟ گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد این محاصره، دسترسی به غذا، دارو و سوخت را محدود کرده و ۲ میلیون نفر را در شرایط «فقر انسانی» قرار داده است. از نگاه کانت، این انتخاب آگاهانه برای اولویت دادن به منافع یک دولت بر کرامت انسانی میلیون‌ها نفر، شر اخلاقی است. اینجا نه عقل عملی، بلکه منفعت‌طلبی سیاسی حاکم است. از طرفی فریدریش نیچه، فیلسوف آلمانی قرن نوزدهم، نگاهی متفاوت به شر دارد. او در کتاب «چنین گفت زرتشت» و «تبارشناسی اخلاق» مفهوم «اراده معطوف به قدرت» را مطرح می‌کند؛ از نظر نیچه، حیات انسان توسط میل به قدرت به جریان می‌افتد؛ میل به تسلط، غلبه و خودثباتی. او اخلاق سنتی (مثل اخلاق کانتی یا مسیحی) را «اخلاق بردگان» می‌نامد، زیرا به نظرش این اخلاق از ضعف و ترس سرچشمه می‌گیرد. در مقابل، «اخلاق اربابان» بر قدرت، خلاقیت و غلبه بر دیگران استوار است. شر، در نگاه نیچه، لزوماً منفی نیست، بلکه می‌تواند بخشی از تلاش انسان برای تحمیل اراده خود بر جهان باشد.

اما اسرائیل با اراده معطوف به قدرت چه کرده است؟ تأسیس اسرائیل در ۱۹۴۸ و گسترش آن از طریق جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ را می‌توان تجلی «اراده معطوف به قدرت» دانست. اسرائیل، به عنوان یک دولت، تلاش کرده قدرت خود را از طریق کنترل سرزمین، منابع و حتی روایت تاریخی تثبیت کند.

شهرک‌سازی‌های غیرقانونی در کرانه باختری که تا سال ۲۰۲۳ بیش از ۷۰۰۰۰۰ شهروتن فلسطینی یهودی را در خود جاده، نمونه‌ای از این اراده است. این اقدام نه‌تنها زمین‌های فلسطینیان را مصادره می‌کند، بلکه هویت و موجودیت آنها را به چالش می‌کشد.

نیچه در «تبارشناسی اخلاق» می‌گوید: «انسان ارباب، خود، ارزش‌ها را می‌آفریند». اسرائیل با تعریف خود به عنوان «تنها دموکراسی خاورمیانه» و توجیه اقداماتش تحت عنوان «دفاع از خود»، ارزش‌هایی را خلق کرده که برتری خود را بر دیگران (فلسطینیان) مشروع جلوه می‌دهد. اما نیچه هشدار می‌دهد اراده معطوف به قدرت، اگر می‌مهار شود، به ستم و نابودی دیگران می‌انجامد. محاصره غزه که نوعی «محاصرات جمعی» نامیده می‌شود، نمونه‌ای از این ستم است. بیش از ۱.۹ میلیون نفر در غزه تحت محدودیت‌های شدید زندگی می‌کنند و وضعیت آنان روز به روز رو به وخامت بیشتری منجر می‌شود. اینجاست که اگر مفهوم شر را در دستگاه فکری نیچه جست‌وجو کنیم، به مصداق اسرائیل برمی‌خوریم. این تسلط بر زندگی میلیون‌ها نفر را فلاح کرده، مصادق‌ای از اراده معطوف به قدرت است که به شر بدل شده است. فلسطینیان که اغلب در روایت اسرائیل به عنوان «بهدید» تصویر می‌شوند، در موضع ضعف قرار گرفته‌اند. اسرائیل با سرکوب آنها، اخلاقی ارباب‌گونه را پیش گرفته که نیچه درباره تبعات مهارناپذیرش هشدار می‌دهد. این اراده به قدرت، به دلیل بی‌توجهی به رنج دیگران، به شر اخلاقی بدل شده است.

■ **اسرائیل و ۲ چهره شر**

اکنون می‌توانیم این ۲ دیدگاه را کنار هم مورد نقد قرار دهیم. از نگاه کانت، سیاست‌های اسرائیل (مثل تخریب خانه‌ها، محاصره غزه و شهرک‌سازی) شر است، زیرا کرامت انسانی فلسطینیان را نقض می‌کند. کانت ما را به عقل عملی و قانون اخلاقی فرا می‌خواند: عملی اخلاقی است که بتوان آن را به قانونی جهان‌شمول تبدیل کرد. آیا اسرائیل می‌تواند محاصره غزه را به عنوان یک قانون جهان‌شمول توجیه کند؟ اگر هر کشوری چنین محدودیتی را بر جمعیتی اعمال کند، چه جهانی خواهیم داشت؟ کانت در «بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق» می‌گوید: «شر از خودخواهی و نادیده گرفتن قانون عقل سرچشمه می‌گیرد». خودخواهی اسرائیل در اولویت دادن به امنیت و گسترش خود بر حقوق فلسطینیان، از منظر کانت، شر است.

نیچه اما ما را به دیدگاهی پیچیده‌تر دعوت می‌کند. او ممکن است اقدامات اسرائیل را تالانی برای خودثباتی و خلق ارزش‌های جدید (مثل دولت یهودی) ببیند اما نیچه در «چنین گفت زرتشت» هشدار می‌دهد قدرت بدون خودآگاهی به تباهی می‌انجامد. اسرائیل در پیگیری اراده معطوف به قدرت، خود را در دام تباهی انداخته است. سرکوب فلسطینیان که نوع عریان «قض سیستماتیک حقوق بشر» در جلوی چشم ما است، نشانه‌ای از این تباهی است.

هر دو فیلسوف ما را به تأمل وامی‌دارند. کانت با معیار عقل و کرامت، اقدامات اسرائیل را محکوم می‌کند و نیچه با نگاه به قدرت، ما را به نقد انگیزه‌ها و پیامدهای این تسلط دعوت می‌کند اما هر دو، به شیوه خود، سیاست‌های اسرائیل را زیر سوال می‌برند؛ یکی به دلیل نقض اخلاق و دیگری به دلیل خطر تباهی قدرت.